

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فیش منبر

امام رضا علیه السلام

انتظارات امام رضا علیه السلام (استاد رفیعی)



تهیه در کانال فیش منبر و مرثیه در ایتا

<https://eitaa.com/fishemenbar>

<http://www.talabeyar.ir> = عرضه در سایت طلبه یار

دو سه جمله در مورد مادر امام رضا بگویم. این بانوی بزرگوار در مدینه غریب است. امروز باید اولین تبریک را به ایشان گفت، چون امام کاظم اولین تبریک را امروز به همسرشان نجمه خاتون گفتند. در روایت داریم نجمه خاتون «من افضل النساء فی عقلها و دینها» برترین زن در زمان خودش از نظر خرد و دینداری بود. ایشان کنیز بود. امام کاظم فرمود: «والله ما اشتريتها هذه الجارية الا بامر من الله» به خدا قسم من این خانم را انتخاب نکردم مگر به امر الهی. هر کسی نمی تواند مادر امام باشد. امام کاظم بچه هایش را جمع کرد. حضرت اولاد بسیاری داشتند. فرمود: «سمعتُ من ابي جعفر بن محمد» بچه های من! از پدرم امام صادق شنیدم «غیر مره» مکرر شنیدم که پدرم می فرمود: پسر من عالم آل محمد در صلب توست. «ان عالم آل محمد فی صلبه» ای کاش من او را ببینم! «لیتني ادرکته» باز وقتی امروز این بچه به دنیا آمد، امام کاظم (ع) به همسرشان فرمودند: گوارا باد! «کرامه لک من ربک» این یک لطف خداست. «هو بقیة الله فی ارضه» این بقیة الله هست در روی زمین، امام ویژه است و موسی بن جعفر به فرزندانش در جلسه ای فرمود: فرزندان من، حرمت این آقا را حفظ کنید و امر ایشان را گوش بدهید. امرش امر من است و سخنش سخن من است.

انتظارات امام رضا از ما چیست؟ ما غالباً انتظارات خودمان را از امام رضا مطرح می کنیم. من یکبار گفتم: دلم می خواهد یکبار مشهد بیایم بگویم: آقا آدمم زیارت کنم بر گردم. نیامدم حوائج من را بگویم! ایرادی هم ندارد خودشان گفتند: بیایید حوائجتان را بخواهید. اما من انتظارات امام رضا را فهرست وار بیان می کنم. اولین

نکته که در روایات امام رضا روی آن بسیار تأکید شده **بحث عقلانیت و خرد است**. چندین روایت داریم یکی این است. فرمود: «لَا يُعْبَأُ بِأَهْلِ الدِّينِ مِمَّنْ لَا عَقْلَ لَهُ» دینداری که عقل نداشته باشد به درد نمی خورد. فرمود: بهترین دوست انسان عقل اوست و دشمن او جهل اوست. فرمود: «يا أبا هاشم العقل هباءٌ من الله» عقل موهبت الهی است. کارهای ما عقلانی باشد. خرافه، سحر و جادو نباشد. با عقل بسنجیم، اگر با عقل سنجدیم می توانیم معتقد به خدا باشیم. خداشناسی و امام شناسی عقلی است.

انتظار دوم امام رضا از ما، رفق و مدارا و گره گشایی از کار مردم است. وجود مقدس پیغمبر گرامی اسلام فرمود: همانطور که خدا به من دستور داد نماز بخوانم، دستور داد با مردم مدارا کنم. «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ» (کافی، ج ۲، ص ۱۱۷) فرمود: در روایت دارد «سلامة الدين و الدنيا في مداراة الناس» (غررالحکم، ص ۴۴۵) سلامت دین و دنیا در رفق و مدارا با مردم است. مدارا غیر از سستی است. غیر از مدهانه است. ما بگوییم: بی حجابی عیب ندارد، بی نمازی عیب ندارد، اگر خمس ندادی عیب ندارد، اگر شما نماز کم خواندی عیب ندارد. این بی مبالاتی است. گاهی می خواهیم بگوییم: اسراف بد است، می خواهیم بگوییم: سخاوت خوب است، آن را اسراف می کنیم. از این طرف می افتیم. قناعت خوب است، آن را بخل می کنیم. می خواهیم بگوییم: مدارا خوب است آن را تبدیل به بی مبالاتی می کنیم. رفق و مدارا در سیره امام رضا(ع) موج می زند. ایشان در

صحنه‌های متعدد، در حوادثی که پیش می‌آمد. تمام وجودشان گره گشایی از مردم بود چه قبل از شهادتشان و چه بعد از شهادتشان.

این روایت را شنیدید که موسی بن سیار می‌گوید: آقا را که به سمت ایران می‌آوردیم، نزدیکی طوس با جنازه‌ای برخورد کردیم. چطور بچه بره در بغل مادرش می‌رود. اینطور امام رضا این جنازه را در آغوش گرفتند و بعد داخل قبر رفتند و فرمودند: «لا تَخَف» نترس! «ابشر بالجنة» بهشت بر تو گوارا باد. گفتم: مگر شما این جنازه را می‌شناسی؟ فرمود: اعمال همه شما صبح و شام بر ما ائمه نازل می‌شود. ما از اعمال شما خبر داریم. ما همیشه فکر می‌کنیم باید فرافکنی کنیم و بگوییم: دولت باید بکند. کمیته امداد باید بکند. نه! گره گشایی و انفاق و بار از دوش مردم برداشتند وظیفه همه هست. هر کس به اندازه توانی که دارد. یکوقت یک کسی نزد این آقا آمد و گفت: به اندازه کرمت به من بده! آقا فرمود: نمی‌شود. کرم ما حدی ندارد. گفت: «اعطنی بقدر مُرَوْتک» به اندازه جوانمردی‌ات بده! گفت: به اندازه ظرفیت من بده! فرمود: این دویست دینار را بگیر. یک تشکر از مردم مشهد بکنم و یک گله هم بکنم. تشکر بابت این میلیون‌ها جمعیتی است که به این شهر می‌آیند و مردم این شهر پذیرا هستند و به فضل خدا هیچکس گرسنه نمی‌ماند، مواد غذایی فراهم هست. امام رضا فرمود: من به شادی شما حریص هستم. دلم می‌خواهد مردم و برادران من شاد باشند. فرمود: «والله علی ما نقول وکیل» خدا گواه هست که دوست دارم شما شاد باشید. اما گله‌ای که دارم این است که ما و شما هم میلاد و شهادت به عتبات رفتیم. مردم عراق وضعی ندارند اما

شهادت امام کاظم ما کاظمین بودیم. همینطور قدم به قدم پذیرایی می‌شد. حتی کسی آمده بود خلال دندان می‌داد. من دیشب در مشهد دیدم یک بسته آب نبود. امام رضا از اینجا برداشته شود کاسبی‌ها تعطیل است. شما در طول سال دارید از محضر این آقا استفاده می‌کنید. جنس شما به هوای این آقا فروش می‌رود. دلتان به هوای این آقا پر می‌شود. دیشب در این خیابان‌ها مردم تشنه بودند. باید اینقدر شربت و آب باشد که دیگر مردم نخواهند چیزی بگیرند. همه شما بر سر خوان این آقا نشست‌اید. آقایی که از گل غذاهای سفره گلچین می‌کرد و به فقیر می‌داد. آقایی که پشت در رفت و در دست سائل پول گذاشت. من ضمن تشکری که از مردم این شهر دارم، این گله را هم دارم. جا دارد کسانی که مخصوصاً در این سه چهار خیابان اطراف حرم هستند، پول روی هم بگذارند و انواع میوه و آبمیوه را بدهند.

سومین نکته که امام رضا از ما انتظار دارد، عمل‌گرایی است. گاهی اوقات ما

تصورمان به دین فصلی است. یکجایی بودم در یکی از کشورها یک خانمی خیلی بدحجاب بود. من را شناخت و جلو آمد و با من سلام علیک کرد. گفت: شب بیست و یکم در مشهد از منبر شما استفاده کردیم. این فکر می‌کند که دین و امام رضا برای شب بیست و یکم است و دیگر برای آن طرف مرز نیست. این کولر نیست که زمستان برداری، امام رضا بخاری نیست که زمستان بگذاری. آقایانی که لب دریا می‌روید، امام رضا لب دریا هم هست. این عمل‌گرایی مهم است. ائمه ما قسم خوردند و فرمودند: ما به هر جا رسیدیم از طاعت خدا رسیدیم. «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ

۱۲۴
أَلَا مَا سَعَى) «نجم/۳۹» گروهی از مدینه به دیدن امام رضا آمدند. مدتی امام رضا اینها را نپذیرفت. امام رضا ۵۲ سال مدینه بودند و سه سال ایران بودند و ایامی هم که اینجا بودند مرو بودند، الآن مرو در ترکمنستان است. بعداً اینجا قبر امام رضا شد. خیلی ناراحت شدند که چرا آقا اینها را به حضور نمی‌پذیرد. آقا پنج علت مطرح کردند برای اینکه اینها را نپذیرفتند. «أنتم فی اکثر اعمالکم له مخالفون» شما می‌گویید: ما شیعه امیرالمؤمنین هستیم ولی عمل شما با حضرت علی منطبق نیست. «مقصرون فی کثیر من الفرائض» در واجبات کوتاهی می‌کنید. خمس واجب است، والله زیارت امام رضا مستحب است. نماز واجب است، روزه واجب است. اگر کسی نتوانست به هر دلیلی به زیارت امام رضا بیاید از یک فضیلتی محروم است اما جلوی او را قیامت نمی‌گیرند. سوم فرمود: در حقوق مردم کوتاهی می‌کنید. چهارم فرمود: آنجایی که نباید تقیه کنید، تقیه می‌کنید. غدیر را باید گفت، غدیر را باید فریاد زد. پیامبر فرمود: به پدرها بگویید به بچه‌هایشان بگویند. به شاهدها بگویید به غایبها بگویند. غدیر برای اسلام است. غدیر برای شیعه نیست. غدیر فعل پیغمبر است. فعل پیغمبر سنت می‌شود. برادران اهل سنت بدانند که آیا غدیر را پیغمبر فرمود: «من کنت مولاه» یا نه؟ اگر فرمود پس فعل و سخن پیغمبر می‌شود. بعد هم فرمود: آنجایی که باید تقیه را رعایت کنید، رعایت نمی‌کنید.

چهارمین انتظار امام رضا(ع) از ما که بسیار مهم است مسأله اعتدال است. یک

آقایی خدمت امام رضا آمد به نام ابراهیم بن ابی محمود، این روایت در عیون الاخبار الرضا است. گفت: آقا یک روایاتی از شما اهل بیت می‌رسد در فضایل

امیرالمؤمنین که سنگین است. آقا فرمودند: «یأبن ابی محمود، ان مخالفینا وَضَعُوا اِخْبَاراً فِی فِضَائِلِنَا» فرمود: بعضی از مخالفین ما سه جور درباره‌ی ما به ما ضربه زدند. ۱- «الْغُلُوُّ» غلو کردند. شما حق نداری بگویی: امام رضا خدای من است. حق نداریم بگوییم: نبی است. غلو است. ۲- «التَّقْصِیر» بعضی هم درباره‌ی ما کوتاهی کردند. امام صاحب کرامت است، صاحب علم غیب است، صاحب ولایت تکوینی است. غلو حرام است، تقصیر بدتر است. اخیراً کتابی را دیدم که یکی از آقایان با سواد هم نوشته بود. خیلی متأسف شدم و دیدم ایشان در این کتاب امام صادق را معرفی می‌کند، می‌گوید: اما امام صادق تلمذ کردند و درس خواندند نزد پدرشان امام باقر و جدشان امام سجاد، بعد دو سه آدم معمولی را نام برده است. امام حجت خداست! این خیلی بی انصافی است. بعضی اوقات باید گفت: مثلاً امام رضا خوش قول بوده است. خوب است اما این واقعاً فضیلتی برای امام رضا است؟ امام رضا روزی ده جزء قرآن می‌خواند. این خوب است اما این فضیلتی برای حضرت است؟ شأن امام ولایت تکوینی است.

کسی نزد آیت الله العظمی بروجردی پول زیادی را آورد ولی در مشت گرفته بود. آقا فرمود: برو و نگرفت. اطرافیان گفتند: پول است. فرمود: می‌دانم، پول را باید با کرامت داد. من نیازی به این پول ندارم. این پول سهم سادات است و ما در راه دین هزینه می‌کنیم. آقا به کسی فرمود: تشت را بیاور، آب بریز دستم را بشوم. همینطور که آقا دستش را می‌شست، دید طلا و نقره می‌ریزد! حضرت موسی ید بیضاء داشت. عصا می‌زد اژدها می‌شد. ائمه ما از انبیاء غیر از رسول خدا بالاتر

هستند. این می گوید: فهمیدم آقا چه می خواهد بگوید. در طواف خانه خدا
عبدالملک مروان نزد امام سجاد آمد و گفت: چرا نزد ما نمی آید؟ ما دنیایمان
خوب است و آخرتمان خراب است. به شما پول بدهیم و مخارج بدهیم. آقا عبایش
را برداشت و انداخت. یکوقت دیدند حال عبدالملک بد شد. گفتند: چه شد؟ گفت:
دیدم پر از طلا و نقره است.

کسی خواستگاری حضرت زهرا آمده بود. به نام عبدالرحمان بن عوف، گفت: من
یک خانه ده هزار درهمی مهر حضرت زهرا می کنم. پیغمبر زیر خاک دست برد و
بالا آورد و فرمود: «من يقدر علی هذه ذهبا» من که می توانم این خاک را طلا کنم،
ثروت را به رخ می کشی! یکی از دوستان در حرم وارد شد و به شوخی گفت: یا علی
بن موسی الرضا به آن مقامی که ما نزد شما داریم، این بدبختان را ببخش! حالا آقا
می گوید: دیدم از آب طلا می ریزد. ۳- فرمودند: «التصريح بمثالب اعدائنا» نسبت به
دشمنان ما اگر گاهی می بیند نام بردن یا بعضی مسائل باعث تحریک می شود، به ما
ناسزا می گویند.

خدمت مقام معظم رهبری رسیدیم، کنگره‌ی حضرت خدیجه (س) بود. مؤسسه
حضرت خدیجه هم یکی از برکاتی بود که تشکیل شد، چقدر سفر اولی به زیارت
امام رضا و کربلا آوردند. دیروز یک جلسه‌ای با آقایان تولیت داشتیم، گفتند:
امسال خدام حرم را در خانه‌ها فرستادیم، خانه‌هایی که طرف بخاطر جرایم غیر
عمد زندان است. گفتند: بیست میلیارد یا تخفیف گرفتیم یا بانی پیدا کردیم هزار و
چهارصد زندانی را آزاد کردیم. الآن هم شماره پیامکی را دادند که به نیت امام

هشتم هشت هزار تومان یا هشتاد هزار تومان یا هشتصد هزار تومان کمک کنید، اینها امام رضا را در دلها جای می‌دهد. امام رضا که محبوب است. حضرت زینب فرمود: ما در دل مردم جای داریم. مقام معظم رهبری مفصل صحبت کردند و فرمودند: من راضی نیستم به همسران پیغمبر توهین شود. این خیلی مهم است. شما بدون تردید می‌توانید نقادی کنید جریان مقابله با غدیر را، جریان جنگ‌های با حضرت امیر را نقادی کنید. منتهی بعضی مراجع در قم هم فرمودند: باید توجه شود و ادبیات ما ادبیات عالمانه باشد. پس یکی دیگر از انتظارات امام رضا معرفت به شأن امام و اعتدال در برخوردهایی است که داریم.

نکته دیگر رعایت رفتارهای اخلاقی در جامعه است که خیلی مهم است. بعضی

چیزها ممکن است ساده بیاید. مثلاً طرف نصف سیب را خورد و دور ریخت. امام رضا نگاهش کرد. آقا جلو آمدند و فرمودند: تو نمی‌دانی که بعضی به همین نصف سیب نیاز دارند؟ رئیس جمهور چین گفته بود اگر روزی یک دانه برنج دور بیاندازیم، یک میلیارد دانه برنج می‌شود. در کشور ما اسراف زیاد است و شرایط جامعه ما بحرانی شده است. این شرایط بحرانی سه عامل دارد، یک عامل خارجی است. خروج از برجام اثر داشت. یک عامل ناکارآمدی بخشی از تیم دولت است. یک بخشی هم خود ما هستیم. بحث اسراف در جامعه جدی است. امام رضا انتظار دیگری که از ما دارند رعایت مباحث اخلاقی است. به حضرت عبدالعظیم حسنی فرمود: سلام مرا به شیعیان برسانید. بعد حضرت چند توصیه کردند و فرمودند: اینها باعث می‌شود مردم به ما تقرب پیدا کردند. در دعای کمیل می‌گوییم: «اللهم

انی اتقرب الیک بذکرک» ما با ذکر تو می‌خواهیم به تو نزدیک شویم. امام رضا فرمود: راست بگویند. یکی اینکه امانتدار باشید. خون شهداء امانت است. وصیت‌نامه‌ها امانت است. شهدایی که به عنوان مدافع حرم جان دادند، امانت هستند.

در فرودگاه تهران بودم، خانم جوانی اهل اصفهان بود پیش من آمد، بچه سه ساله‌ای هم داشت. گفت: سه ساله بودم که پدرم شهید شد. بچم هم سه ساله است پدرش شهید شده است. خودم یتیم و بچم هم یتیم است. ناراحت نیستم اما از یک چیزی ناراحت هستم که به این وصیت‌نامه‌ها عمل نشود. یک عده‌ای بیایند این خانه‌ها را نادیده بگیرند. امام رضا هم امانت است. «السلام علی یا آمین الله فی ارضه» این هم یکی از انتظاراتی که رعایت حرمت‌های اخلاقی است.

انتظاراتی که امام رضا(ع) دارند روایت حضرت عبدالعظیم را مطرح کردیم. حضرت عبدالعظیم محضر امام رضا را درک کرده است. امام کاظم، امام رضا، امام جواد و امام هادی را درک کرده است. امام رضا به حضرت عبدالعظیم فرمود: به مردم بگو: «أَنَّ اللَّهَ قَدْ عَفَرَ لِمُحْسِنِهِمْ وَتَجَاوَزَ عَنْ مُسِيئِهِمْ» «خدا گناهان شما را می‌بخشد و مهربان است و به شما محبت می‌کند. مگر سه گروه، سه گروه را امام رضا استثناء کرده است. «إِلَّا مَنْ أَشْرَكَ بِي» کسی که مشرک به خدا شود. خدا می‌فرماید: من شرک را نمی‌بخشم. کسی مشرک بمیرد آمرزیده نیست. «أَوْ آذَى وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِي» کسی که ولی از اولیای ما را اذیت کند. یکوقت اذیت با زبان است. مثل تهمت زدن به کسی، یکوقت اذیت با زدن است. یکوقت اذیت روحی است. الآن شرایط جامعه

ما به شکلی هست که عده‌ای قدرت خریدشان نصف شده است. قبلاً سه تا نان می‌خریده الآن یکی می‌خرد اما در اجاره مسکن نمی‌تواند. یک آقایی در حرم به من گفت: من فرهنگی هستم. اجاره من هشتصد تومان بوده و بعد از این اوضاع یک میلیون و چهارصد هزار تومان شده است. چطور ششصد تومان روی این بگذارم. ما یک انتظاری از دولت داریم که یک فکری بکند. یک انتظاری از وزارت آموزش و پرورش داریم. یک انتظاری هم از خودمان داریم. شما که زیرزمین خانه‌ات خالی بوده و من هم مستأجر شما هستم، شما می‌توانی از من اجاره‌نگیری! خدا برکت می‌دهد.

امیرالمؤمنین از جلوی قصابی رد می‌شد. قصاب گوشت کمی به یک خانم داده بود. در قم مؤسسه خدیجه گاهی گوسفند می‌کشد و شهرستان‌ها می‌دهد. به خانواده‌هایی گوشت می‌دهیم می‌گویند: ما ماه به ماه نمی‌توانیم گوشت بخریم. امیرالمؤمنین دیدند خانم به قصاب التماس می‌کند که یک خرده بیشتر بده. قصاب می‌گوید: با پولی که دادی همین قدر می‌شود. حضرت جلو آمد و فرمود: بیشتر بریز که خدا برکت می‌دهد. ما در شرایطی که باید همکاری بیشتر کنیم با مردم گرانتر بر خورد می‌کنیم. بلیط هواپیمای معمولی که باید ارزانتر شود دو سه برابر شده است. امام رضا فرمود: خدا سه گروه را نمی‌آمرزد. یکی آنکه شرک بورزد. یکی آنکه ولی مرا اذیت کند. اذیت کردن اولیای خدا اذیت کردن خداست. سومین مورد اینکه کسی که به مردم بدگمان باشد. بدگمانی و سوء ظن به مردم از گناهانی است که فرمود: خدا نمی‌آمرزد.

. یکی از اصحاب امام رضا به نام یونس بن یعقوب خدمت امام رضا آمد و گفت: به من دعای کوتاهی یاد بده. در آخر مفاتیح هست. آقا این دعا را به او یاد دادند. فرمودند: بگو «يَا مَنْ دَلَّنِي عَلَى نَفْسِهِ وَ ذَلَّلَ قَلْبِي بِتَصَدِيقِهِ أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَ الْإِيمَانَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» خیلی دعای مهمی است. خدایی که خودت، خودت را به ما شناساندی. ما از تو دو چیز می خواهیم. یکی امنیت و یکی ایمان! انشاءالله خداوند در ظهور آقایمان همان آقایبی که امام رضا به نامش دست روی سر می گذاشت و قیام می کرد، تعجیل بفرماید .

«والحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل الطاهرين»